

رویداد مهم هفته ای که گذشت

سردار میلیاردر

عقب رفتن پرده ها و باز شدن چشم ها

در هفته ای که گذشت، بحث پیرامون وزیر نفتی که احمدی نژاد به مجلس معرفی کرده بود، مهم ترین رویداد ایران بود. او از بیم رسوائی واقعیات پشت پرده شعارهای عوامفریبانه ای که به موجب آنها چند میلیون مردم فقر و غارت شده را به پای صندوق های رای کشیده و به کمک همین آراء در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری سر از صندوق های رای در آورد، انصراف این وزیر پیشنهادی را اعلام کرد. این وزیر پیشنهادی یکی از سرداران میلیاردر شده سپاه پاسداران بنام "محصولی" بود.

این که وزیر پیشنهادی بعدی چه کسی خواهد بود و یا اساسا کار تکمیل کابینه او به کجا خواهد انجامید، آنقدر اهمیت ندارد که این رویداد اهمیت داشت. اهمیت آن نیز در این نبود که یک میلیاردر در ترکیب کابینه احمدی نژاد می خواست قرار بگیرد، چرا که این تنها یک نمونه بود و قطعا کسان دیگری با شرایطی مشابه در ترکیب کابینه او هستند. این نمونه، بر اثر اختلاف قدرت و ثروت میان مجلس و دولت بر ملا شد. اما همین یک نمونه، مثنی بود، نشانه خروار.

این رویداد حتی بود بر آن ارزیابی و تحلیلی که راه توده از ابتدای موضع گیری های فقر ستایانه احمدی نژاد بر آن پای فشرده بود. یعنی: آنچه که در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری اتفاق افتاده، تغییر توازن اقشار درون طبقاتی (سرمایه داری تجاری) و درون حکومتی در جمهوری اسلامی بود، به سود نوکیسه ها و گروه دیگری از غارتگران حکومتی که این بار لباس نظامی بر تن دارند. سردار محصولی یک شبه بر سر راه احمدی نژاد سبز نشده بود و بدون کوچکترین تردیدی نه تنها رهبران کلیدی جمهوری اسلامی و از جمله شخص رهبر نیز او را می شناختند، بلکه او را صالح برای کلیدی ترین وزارتخانه دولت نیز تشخیص داده بودند. این شناخت و تائید را تا دایره تصمیم گیرنده فرماندهان سپاه پاسداران نیز باید تعمیم داد. یعنی همان کسانی که اصلاح طلبان، ملی مذهبی ها، روزنامه نگاران و دانشجویان را گردن زدند و قلم آنها را شکستند، و نقش مهمی در روی کار آوردن احمدی نژاد و معرفی سرداران سپاه برای پست های کلیدی در دولت او دارند.

این رویداد، اهمیت بسیار جدی دیگری نیز داشت و آن آگاهی بدنه سپاه پاسداران و بسیج وابسته به آن با حقایق نهفته و پنهان نگهداشته شده در پشت شعارهای مبارزه با اختلاس و تبعیض و اختلاف طبقاتی بود. از جمله انگیزه های مهم عقب نشینی فوری و اعلام انصراف محصولی، خاتمه دادن به بحث پیرامون این پدیده در مطبوعات و حتی در مجلس بود. مجلسی که بسیاری از نمایندگان آن و عقبه های آنها در بیرون از مجلس، در جنگ قدرت بر سر تقسیم ثروت درگیرند. جنگی که ادامه آن و افشاگری های بیشتر می تواند حتی در همین مجلس نیز برخی چشم و گوش های کمتر وابسته به مافیای ثروت و قدرت را باز کرده و به نیروئی منسجم علیه دولت و روند کنونی تبدیل کند. بویژه، اگر این چشم و گوش باز شدن ها با تشدید بحران های اجتماعی و حکومتی همراه شود. نسل انقلاب ۵۷ خوب بخاطر دارد، که حتی در مجلس شاهنشاهی نیز، وقتی جنبش اعتراضی و انقلابی مردم شکل گرفت انشقاق ها آغاز و صف ها از هم جدا شد.

بدین ترتیب، ما توجه عمیق به این رویداد و جمع آوری دلائل و مستندات بیشتر پیرامون قشربندی های جدید در حاکمیت تجاری در جمهوری اسلامی را نه تنها به دیگران توصیه می کنیم، بلکه خود نیز مصمم تر از گذشته آن را پی خواهیم گرفت.

این شناخت و پیگیری از آن رو ضرورت خلل ناپذیر دارد، که ماهیت هر نوع جبهه، ائتلاف، شعار اقتصادی و اجتماعی برای عبور از این مرحله تحولات ایران، بدان وابسته است و از آن بر می خیزد. در غیر اینصورت جبهه ها و ائتلاف ها در سطح باقی مانده و به عمق راه نمی یابد و قادر نخواهد بود نیروی اجتماعی را بسیج کرده و پشتوانه خود سازد. این حادثه یکبار دیگر اهمیت تاریخی افشاگری و آگاهی را نشان داد. این دو اصل خلل ناپذیر در جنبش های مردمی و اجتماعی، قوی ترین و دوربرد ترین سلاح مردمی است و بخشی از دلائل ناکامی های ۸ سال دولت محمد خاتمی به غفلت در عمل به آن باز می گردد. یعنی فاش نشدن عمق و ماهیت اقتصادی - طبقاتی مقاومت در برابر اصلاحات. هیچ دلیل دیگری دارای چنین اهمیتی نیست و به همین دلیل وقتی هنوز از ریشه های اصلی مقاومت و سرکوب اصلاحات و تعلل های طبقاتی در صفوف اصلاح طلبان سخن گفته نمی شود، باید پذیرفت که همچنان جای انقلابی ترین و مردمی ترین نیروها در صفوف طرفداران اصلاحات و نشست و برخاست های ائتلافی و جبهه ای خالی است.